

اظهارات محسن رفیق‌دوست درمورد برنامه‌ریزی برای ترور برخی عوامل رژیم پهلوی، بازی درپازل بحران‌سازی برای ایران است

هزینه‌سازی رفیق‌بازنشسته



زهرا طیبی خبرنگار گروه شد روز

در روزهایی که دشمنان ایران از بهانه‌ای برای تهدید دانستن جمهوری اسلامی و محکوم کردن آن به حمایت از تروریسم استفاده می‌کنند، محسن رفیق‌دوست، وزیر سپاه در سال‌های ۶۱ تا ۶۷، به تازگی ادعاهایی در مورد ترور برخی از چهره‌های رژیم شاه مطرح کرده است. مطرح کردن این ادعاها آن هم در این موقعیت زمانی، پاس گلی به پرونده‌های صهیونیستی در تهدید دانستن جمهوری اسلامی است و بهانه‌ای در اختیار اروپا قرار می‌دهد تا پرونده‌ای تازه علیه ایران بر مبنای این اظهارات باز کند. این اولین بار نیست که اظهارات غیردقیق و غلط او بهانه‌ای در اختیار دشمنان ایران قرار می‌دهد، تا بر طبل تهدید بودن جمهوری اسلامی بکوبند. ۱۶ آبان ماه اسسال، محسن رفیق‌دوست در مصاحبه‌ای تلویزیونی مدعی ششد ایران گروگان‌هایی از قدرت‌هایی در اختیار دارد و گفت: «از قدرت‌هایی که احتمال دارد به ما حمله نظامی کنند، گروگان‌هایی داریم که طرف نیم ساعت، یک ساعت آن گروگان‌ها را از بین می‌بریم، ان‌شَاءالله زمان آن برسد که این کار را انجام دهیم.» اظهارات او با واکنش حسین شریعتمداری همراه شد و او در این مورد نوشت: «اگر منظور او از گروگان افراد هستند، تهمتی ناروا و سنگین به جمهوری اسلامی زده است.»

محسن رفیق‌دوست در مصاحبه اخیرش ادعاهایی در مورد چگونگی ترور افرادی مثل فرخزاد، پسر اشرف شهریار شفیق، غلامعلی اویمی و شاپور بختیار مطرح کرده و مدعی شده ترور آن‌ها به دست گروه باسک انجام شده است. رفیق‌دوست البته این موضوع را نیز مطرح کرده که رئیس گروه برخی

محمد رحمانی، تاریخ‌پژوه درگفت‌وگو با «فرهیختگان»:

مسکوت‌گذاشتن اتفاقات تاریخی، به روایت‌های ناقص میدان می‌دهد

مسکوت‌ماندن وقایع حساس تاریخی وعدم‌روایت‌دقیق‌تاریخ‌معاصر ایران، باعث شده تا هرازچندگاهی روایت‌هایی از برخی اتفاقات داده شود که از آنجا که منبع اسناددقیق وقابل‌مسترسی در متن تاریخ وجود ندارد، امکان صحت‌سنجی آن توسط پژوهشگران تاریخ وجود نداشته باشد. روایتی که محسن رفیق‌دوست از برخی اتفاقات سال‌های ابتدای انقلاب ارائه می‌کند، از این جنس است. در گفت‌وگویی که با محمدرحمانی، تاریخ‌پژوه، داشتیم بسه ابعاد مختلف نقص در ارائه روایت‌های تاریخی پرداختیم که در ادامه م‌شروح آن را از نظر می‌گذرانید.

در دسرهای مسکوت‌گذاشتن اتفاقات تاریخی

رحمانی به این موضوع اشاره کرد که مسکوت‌ماندن برخی از اتفاقات تاریخی عملاً این امکان را از پژوهشگر تاریخ می‌گیرد که اظهارات افراد را بر مبنای اسناد و روایت بررسی کند، وی گفت: «ما اساساً این بخش را مسکوت گذاشته‌ایم، اما هرازچندگاهی یک شخصیت که ممکن است مستقیماً در این موضوع مسئولیتی داشته یا نداشته باشد، ادعایی مطرح می‌کند که ما نه به‌عنوان یک پژوهشگر تاریخ می‌توانیم این ادعاها را تأیید کنیم و نه رد. شاید برخی از این موارد، بنا به شرایط زمانی خود، درست باشد. چرا؟ چون ما در دوره‌ای از تاریخ صحبت می‌کنیم که انقلاب تازه تأسیس شده بود و بسیاری از دشمنان آن عملاً دست به سلاح برده بودند و در داخل کشور اقدامات مسلحانه جدی انجام می‌دادند. برخی از آن‌ها نیز با نیروهای خارجی ارتباط داشتند و به‌طور جدی فعالیت می‌کردند. بلدیهی است که وقتی یک نیروی خارجی بسا همکاری گروه‌هایی در داخل کشور دست به اقدامات مسلحانه می‌زند و امنیت کشور را به خطر می‌اندازد، برخی از جریان‌های امنیتی به این فکر می‌افتند که به‌جای درگیری مستقیم با نیروهای عملیاتی در خیابان‌های تهران و شهرهای دیگر، به سراغ فرماندهان و رهبران این گروه‌ها که در خارج پناه گرفته‌اند، بروند و با آن‌ها بر برخورد کنند.»

در بررسی تاریخ نیاید دچار خطای زمان‌پریشی شویم

ایرادسیاستمداران ما این است که تصور می‌کنند هر موضوعی که حساس است را باید مسکوت گذاشت، موضوعی که رحمانی به آن اشاره کردو گفت: «باید توجه کرد که هر پرونده‌ای با پرونده دیگر متفاوت است، هر مقطع تاریخی با مقطع دیگر فرق دارد و نحوه اطلاع‌رسانی در باره این ماجراها نیز خود محل بحث است. حرف‌های آقای رفیق‌دوست، حرف‌های جدیدی نیست اما چرا مورد توجه قرار گرفته است؟ دلیل آن این است که ما با رسانه‌ای به نام فضای مجازی مواجهیم و با رقم جدیدی از روایتگری مواجه می‌شویم که تاریخ را نشان می‌دهد و افرادی که از تاریخ اطلاع چندانی ندارند، ناگهان با برشی یک‌دقیقه‌ای از یک مصاحبه مواجه می‌شوند، که ممکن است اساساً خود آن فرد گوینده هم اطلاعات درستی نداشته باشد. از طرف دیگر، به نظر من، کم‌کاری نهادهای تاریخی نیز در این مسئله تأثیرگذار بوده است. اکثر این نهادها در کشور ما چندان جدی گرفته نمی‌شوند و نهادهای دست‌چندمی به شمار می‌روند. مثلاً فرض کنید ما بخواهیم درباره ماجرای رستوران میکونوس صحبت کنیم؛ چه منبع معتبری در داخل ایران وجود دارد که بتواند این موضوع را بررسی کند؟ من که به‌عنوان یک پژوهشگر تاریخی روی دوره‌های امنیتی وبرخورد‌های امنیتی تمرکز دارم، می‌بینم که هیچ منبع جدی‌ای در این زمینه وجود ندارد. اما آیا جریان‌های رفیق و گروه‌های دیگر هم قبل این دوره مسکوت کرده‌اند؟ خیر. متأسفانه، سیاست سنتی مسئولان ما این بوده که هر موضوعی که فکر می‌کنند، حساسیت‌برانگیز است، کاملاً مسکوت می‌گذارند و به آن نمی‌پردازند. در مقابل، روایتی یک‌سویه شکل می‌گیرد که دشمنان کشور آن را با روایت خودسامان می‌دهند و در نتیجه، ذهنیتی ایجاد می‌شود که جمهوری اسلامی را یک حکومت تروریستی جلوه می‌دهد. اما آیا این ذهنیت پشت‌سوانه‌ای دارد؟ واقعیت این است که در برخی مقاطع زمانی، نیروهایی حتی در خارج از کشور دست به اقداماتی زده‌اند. مثلاً افرادی که برای انجام عملیات به لندن یا فرانسه فرستادند. اما این اقدامات، بخشی،

خورده است. او اگر چه ادعا می‌کند آنچه رخ داده اختلاس نبوده، بلکه سوءاستفاده مالی بوده اما بالاخره اصل ماجرا را پذیرفته است. حالا در این میان اگر فرض را بر این بگذاریم که رقم سوءاستفاده مالی ۱۲۳ میلیارد هم نبوده، به هر صورت اصل ماجرا قابل کتمان نیست. او البته همچنان تلاش دارد تا بار هزینه این فساد مالی برادرش را برای خود سبک کند و به همین خاطر مدعی می‌شود برادرش فریب خداداد را خورده است. درحالی‌که در اصل موضوعی تفاوتی نمی‌کند و به هر صورت سوءاستفاده مالی رخ داده است. برای برخی هزینه‌سازی برای سیستم حکمرانی تبدیل به رویه‌ای عادی و تکراری شده است. در روزگار جوانی با فسادهای مالی و سوءاستفاده‌های اقتصادی به یک‌شکل به سیستم ضربه می‌زدند، اعتماد عمومی را خدشسه‌دار می‌کنند، خوراک رسانه‌ای برای دشمنان ایران فراهم می‌کنند و در دوران بازنشستگی برای دیده‌شدن، با طرح کردن ادعاها و اظهارات غیر واقعی و غیردقیق، جنجال یا غرض‌ورزی می‌کنند و به نوعی دیگر برای سیستم هزینه‌سازی می‌کنند و به اعتبار آن ضربه می‌زنند.

بهانه دست دادگاه‌های اروپایی ندهید

بخشی از اظهارات تازه رفیق‌دوست، در کمتر متون تاریخی مورد اشاره قرار گرفته است. در روایت‌های شفاهی که از برخی از این رویدادها ارائه شده، اشارات دقیقی از برخی از این وقایع وجود ندارد. براس این نمی‌توان مشخصاً صحت یا عدم صحت اصل روایت را تأیید کرد. اما از سوی دیگر، او در حالی از اقدامات گروه جدایی‌طلب باسک در انجام ترور‌ها که در سال ۲۰۱۳ منحل شده، صحبت به میان می‌آورد که دادگاه‌های اروپایی نیز م‌شروح اقدامات و فعالیت‌های این گروه را علنی نکرده است. مطرح کردن این اظهارات درحالی‌که دادگاه‌های اروپایی نیز گزارشی دقیق از اقدامات آن‌ها را در اختیار افکار عمومی قرار ندادند، به غیر

از اینکه برای رفیق‌دوست وجهه و برای ایران هزینه بسازد، کارایی دیگری ندارد. چنین اظهاراتی تنها بهانه‌ای در اختیار کشور‌های بهانه‌جوی غربی قرار می‌دهد تا با استناد به این ادعاها، پرونده‌هایی تازه علیه جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی باز کنند.

به خاطر دیده شدن، هزینه نسازید

رفیق‌دوست، سابقه طولانی در مطرح کردن ادعا‌های غیردقیق، ناقص و بی‌ملاحظه در مورد وقایع و اتفاقات تاریخی دارد. روایت‌هایی که او مطرح می‌کند در مواردی آن‌قدر غیردقیق و غیرواقعی هستند که برای نظام حکمرانی ایران هزینه‌سازی می‌کند و هزینه تندروی‌هایی را که توسط برخی چهره‌های مشکوک‌الهویت در سال‌های ابتدایی انقلاب رخ داد، متوجه نظام حکمرانی می‌کند. اظهاراتی که وزیر سابق سپاه تازگی در مصاحبه‌ای مطرح کرد، عملاً مسئولیت برخی اقدامات را متوجه ایران می‌داند، درحالی‌که یک دانشجوی کارشناسی تاریخ نیز این را می‌داند که در سال‌های ابتدایی انقلاب چهره‌های رادیکال و تندى مثل صادق خلخالى حضور داشتند که چندان بر مبنای خواست اکثریت و نظام حکمرانی حرکت نمی‌کردند و بافتوای خود، حکم‌صادر می‌کرده و آن را اجرایی می‌کردند. رفیق‌دوست در صحبت‌هایش نه تنها فاصله‌گذاری با این جنس اقدامات خودسرانه نمی‌کند، بلکه به نحوی صحبت می‌کند که گویی اقداماتی از جنس ترور در کشور‌های خارجی با چرخ سبز ساختار حکمرانی انجام شده است. نمی‌توان برداشتی جز القای این گزاره داشت که سیستم را ابزار ترور، مخالفان خود را حذف می‌کند. این هزینه‌سازی در شرایطی که صهیونیست‌ها با تکرار این گزاره که ایران تهدیدی برای امنیت منطقه و جهان است، غرب را به سمت اقدام نظامی علیه ایران سوق می‌دهد، عملاً بازی در زمین دشمن است.

پس از مدت‌ها آن را به‌عنوان خاطره شخصی خودش تلقی کند. این یک مسئله روانشناسی است که فرد تصور می‌کند خودش نقش اساسی در ماجرا داشته، درحالی‌که در واقعیت فقط شنونده یا مطلع آن بوده است. در روایت‌هایی که با فاصله زمانی طولانی نقل می‌شوند، چنین اتفاقاتی طبیعی است. مشکل اینجاست که متأسفانه روایت‌هایی که مطرح می‌شوند، اغلب منابع دقیقی ندارند. به‌عنوان مثال می‌گویید که آقای خلخالى چنین حرفی زده است. برای مثال او در خاطرات خود می‌گوید که ما جنازه رضا شاه را از قبر بیرون آوردیم و در مورد فوت هویدا هم چنین چیزی را مطرح می‌کند، ولی بعداً در طرح توسعه حرم حضرت عبدالعظیم، جنازه او پیدا شد. حالا این را چطور باید کنار آن روایت اولیه قرار دهیم؟ یا مثلاً برخلاف آنکه خلخالى گفته بود که جنازه را به اسرائیل برده‌اند، اما بعد مشخص شد که نه، اصلاً در ایران دفن شده است. این گونه روایت‌ها که فاقد منابع دقیق هستند، معمولاً تحت تأثیر شرایط سیاسی و تغییرات زمانه مطرح می‌شوند. برخی افراد هم با اهداف سیاسی، نقش خود را در این اتفاقات پررنگ‌تر جلوه می‌دهند. برای پژوهشگران تاریخ، کشف حقیقت در چنین مواردی بسیار دشوار می‌شود زیرا هیچ منبع معتبر وفرنسی برای‌سنجش این گفته‌ها وجود ندارد. مثلاً شما فرض کنید که آیا نهادهای امنیتی ما، مانند وزارت اطلاعات یا سپاه، حساسیتی نسبت به تاریخ خود دارند؟ ما می‌دانیم که در سپاه، مرکز اسناد جنگ (که بعدها عنوان دفاع مقدس گرفت) وجود داشت و حتی برای عملیات‌ها، راوی‌هایی در لحظه ثبت وقایع حضور داشتند. اما درباره این گونه اقدامات امنیتی چطور؟ آیا گزارش مستندی وجود دارد؟ اگر چنین گزارش‌هایی وجود دارد، باید در یک زمان مشخص منتشر شوند یا حداقل به آن‌ها واکنش نشان داده شود. اگر روایت‌ها مطرح‌شده غلط هستند، این افراد باید پاسخگو باشند. من به‌عنوان پژوهشگر تاریخ که به منابع آشکار و اسناد دسترسی دارم، نمی‌توانم با قطعیت بگویم که چه کسی درست می‌گوید و چه کسی اشتباه می‌کند. حتی اگر ده‌ها روایت متضاد وجود داشته باشد، باز هم فضای مبهمی باقی می‌ماند. این وضعیت برای ما شرایط مطلوبی ایجاد نمی‌کند.»

یکی از افرادی که در سال ۱۴۰۱ به اسم اپوزیسیون مدنی فعالیت می‌کرد، تروریست از آب درآمد

ایده گیت



از زمانی که خودکشی کرده است، اپوزیسیون بسیج شده‌اند و چه یک مبارز را برایش بتراشند تا جایی که ابول‌کورکور را سردار کورکور نیز لقب داده‌اند اما هیچ‌کدامشان هم اشاره‌ای نمی‌کنند که از مخفیگاه این به‌ظاهر مبارز و سایر هم‌زمان اشاره‌ش در ایده سه قبضه سلاح کلاشیکف به همراه فشنگ، دو دستگاه بی‌سیم و یک عدد جلیقه ضدگلوله کشف و ضبط شد. تجهیزاتی که با کمک مالی سرویس‌های جاسوسی خریده‌اند یا به‌صورت مستقیم از خود این سرویس‌ها دریافت کرده تا فضای آشوبی را که در سال ۱۴۰۱ به راه انداخته بودند بار دیگر در شهر ایده احیا کنند. شبه‌شب ویدئویی از یک شرور در رسانه‌ها منتشر شد که او در آن حین درگیری با نیروهای امنیتی برای اینکه دستگیر نشود با شلیک اسلحه خودکشی می‌کند. ابول‌کورکور، که پیش‌تر از حامیان سلطنت‌طلبان و از فعالان آشوب‌های خیابانی شناخته می‌شد، به اسم مبارزه مدنی به آشوب‌ها پیوسته بود اما ویدئویی که شنبه‌شب از او منتشر شد اپوزیسیون را ناچار کرد تا برای همین وجهه تروریستی نیز توجیه‌تر باشند. او پس از مرگش از سوی برخی براندازان به‌عنوان یک «مبارز» معرفی شد که علی‌رغم تسلیم تحف فشار نیروهای نظامی ایران کشته شده است؛ اما ویدئویی که از لحظه خودکشی او منتشر شد، نشان داد او با استفاده از تسلیحاتی که در اختیار داشته در حال درگیری بوده که نهایتاً نیز خود را گرفتار دیده و خودکشی کرده است.

ویدئویی که پس از این واقعه در فضای مجازی منتشر شد، او را در حالی نشان می‌دهد که با سلاح گرم مجهز شده و در حال مقاومت در برابر نیروهای امنیتی است. در این فیلم، او فریاد می‌زند: «تسلیم می‌شویم»، اما الحظاتی بعد با شلیک به سر خود به زندگی اش پایان می‌دهد این تصاویر به‌وضوح نشان می‌دهد که او نه یک فرد بی‌دفاع، بلکه شخصی مسلح و درگیر بود که خودکشی را انتخاب کرد. پیش از انتشار این ویدئو، برخی جریان‌های برانداز قصد داشتند مرگ او را به‌عنوان یک قتل عمدی به جمهوری اسلامی نسبت دهند و سناریویی برای مظلوم‌نمایی او طراحی کنند. اما واقعیت ماجرا که در فیلم به‌خوبی نمایان است، این روایت

رای اعتبار کرد. ابول‌کورکور با اقدام مسلحانه خود، حتی اگر در درگیری کشته می‌شد، نمی‌توانست به‌عنوان یک قربانی بی‌گناه معرفی شود، زیرا رفتار او به کفایت و بزرگی‌های یک اقدام تروریستی را داشت.

براندازی به کنار، با این سابقه درخشان چه کنیم؟

براساس آنچه تاکنون در رسانه‌ها منتشر شده است ابول‌کورکور از سال ۱۳۸۱ تا ۱۴۰۳ در سابقه خود جرائم خ‌شونت‌آمیز متعددی شامل جاقوکی، مزاحمت، زورگیری، ضرب‌وجرح، استفاده از سلاح گرم برای قدرت‌نمایی، مشارکت در سه فقره قتل، سرقت‌های مسلحانه جاده‌ای از خودرو و آدم‌ربایی دارد. او از اغتشاشات سال ۱۴۰۱ ایده، تحت تعقیب و متواری بود و طبق نوشته رسانه‌های معاند، در این دو سال کورکور در خانه دوستان و آشنایان زندگی می‌کرد.

مرگ کورکور نیز مانند تسام اتفاقات مرتبط با ناآرامی‌های ۱۴۰۱ و پس از آن، دستخوش تحریف رسانه‌ها و چهره‌های معاند شد. درحالی‌که در تمام این مدت رسانه‌های ماندنی بی‌بی‌سی و اینترنشنال‌سوسی‌داشتند تا ناآرامی‌های ۱۴۰۱ را اعتراضات مسالمت‌آمیز از سوی مردم جا بزنند، این بار اما کورکور در لایو اینستاگرامی با اسلحه ظاهر شد و در مدت‌زمان حضورش در لایو، با نیروهای امنیتی درگیر بود. این درحالی‌است که علی‌رغم انتشار تصاویر زنده اینستاگرامی و لایو زنده درگیری و خودکشی، اما باز هم رسانه‌های اپوزیسیون و چهره‌های معاند در شبکه‌های اجتماعی در حال قهرمان‌سازی از کورکور هستند و از او به‌عنوان «سردار» کورکور نام می‌برند.

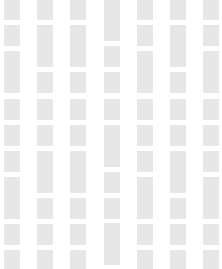
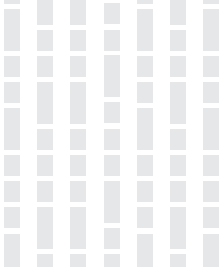
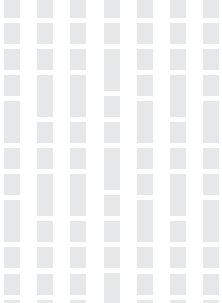
همچنین با وجود اینکه در لایو، کورکور خودش دست به خودکشی می‌زند و از تسلیم‌شدن و همکاری با نهادهای امنیتی خودداری می‌کند اما باز هم اپوزیسیون، خودکشی این فرد را به گردن جمهوری اسلامی می‌اندازند و عامل قتل او را مأموران امنیتی می‌دانند. پس از مرگ ابول‌کورکور، برخی گروه‌های مخالف نظام، از جمله سلطنت‌طلبان، در شبکه‌های اجتماعی تلاش کردند او را به‌عنوان یک «مبارز ظلم‌ستیز» معرفی کنند. به‌عنوان مثال وحید بهشتی، در پستی نوشت:

«ابول‌کورکور، هموطن مبارز و ظلم‌ستیز ایده اهل، طی حمله نیروهای امنیتی به مخفیگاهش فریاد ز تسلیم می‌شویم، اما تیراندازی متوقف نشد...» این روایت سعی داشت او را قربانی یک حمله بی‌رحمانه جلوه دهد، اما انتشار ویدئو نشان داد که این ادعاها با واقعیت همخوانی ندارد. این تلاش برای براندازان برای تحریف حقایق و استفاده از هر رویداد برای تخریب نظام است. نمونه این جمل روایت را در خودکشی‌هایی که هم زمان با تلاطمات خیابانی در ۱۴۰۱ انجام می‌شد، مشاهده کرده‌ایم؛ اما پیشینه این شخصیت تجزیه‌طلب که از حامیان سلطنت‌طلبان در آشوب‌های ۱۴۰۱ بودو اقدام مسلحانه اخیر او، جایی برای این قهرمان‌سازی باقی نمی‌گذارد و نشان‌دهنده ناکامی این جریان‌ها در به‌روبرداری از این واقعه است.

آمریکای مدعی مذاکره را در ایده ببینید

تصویر منتشرشده از ابول‌کورکور که کاملاً مسلح در ایده به‌تقابل با نیروهای امنیتی مشغول است تصویر واقعی از سیاست‌های جدید دونالد ترامپ علیه ایران است که اخیراً بدون ارسال هیچ گونه پیامی به ایران در این باره در رسانه‌ها دروغ‌پردازی کرده بود. ترامپ که از زمان بازگشت به قدرت در ژانویه ۲۰۲۵ بارها در فضا رسانه‌ای از تمایل به مذاکره با ایران سخن گفته در مصاحبه‌ای با فاکس نیز اظهار داشت: «من به آیت‌الله خامنه‌ای نامه نوشتم و گفتم ایولدم مذاکره کنید. اگر مجبور به اقدام نظامی بشویم، برای ایران وحشتناک خواهد بود.» او افزود: «ما نمی‌توانیم اجازه دهیم ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد.» این پیشنهاد مذاکره درحالی مطرح شده که تهدید به اقدام نظامی نیز از سوی او حفظ شده است.

ترامپ درحالی چنین ادعایی کرده که خبر دریافت چنین پیامی خیلی زود توسط ایران تکذیب شد؛ اما به نظر می‌رسد پیام ترامپ را باید در دست مسلح مثال ابول‌کورکور مشاهده کرد. ادعا‌های ترامپ مبنی بر تمایل به مذاکره درحالی‌با هدف جو‌سازی در فضای رسانه‌ای است که او با اعضای یک‌پاداشت اجرایی ضدایرانی در عمل مسیر تقابل حداکثری را خیلی زود ازسر گرفته است.



رهبر انقلاب اسلامی، در دیدار با کارگزاران نظام به این موضوع واکنش نشان دادند و فرمودند: «اصرار به مذاکره می‌کنند، مذاکره آن‌ها برای حلّ مسائل نیست، برای تحکّم است. [می‌گویند] مذاکره کنیم تا آنچه را که می‌خواهیم، بر طرف مذاکره — که آن طرف میز نشسته — تحمیل کنیم؛ اگر قبول کرد که چه‌بخت، اگر قبول نکرد جنجال راه بیندازیم که این‌ها از میز مذاکره فاصله گرفتند، از پای میز بلند شدند! این تحکّم است.» رهبر انقلاب در ادامه با اشاره به اینکه مسئله فقط مربوط به هسته‌ای نیست متذکر شدند که: «توقّعات جدیدی را مطرح می‌کنند که این توقّعات جدید از طرف ایران قطعاً بر آورده نخواهد شد.» علاوه بر مطالبات زیاده‌خواهانه که نافی هرگونه مذاکره است آمریکا که یک‌بار در سال ۲۰۱۸ از برجام خارج شد، نمی‌تواند ادعای حسن‌نیت و تمایل به مذاکره داشته باشد که اگر چنین است می‌تواند به توافق پیشین بازگردد در حقیقت آمریکا نه به‌دنبال مذاکره بلکه به‌دنبال ایجاد فشار اجتماعی در داخل ایران و دامن‌زدن به آشوب‌است و اقداماتی مانند تحركات ابول‌کورکور، بخشی از پازل فشار حداکثری و بی‌ثباتی است که واشنگتن علیه تهران دنبال می‌کند.

رونمایی از پلن A ترامپ

سخنان رهبر انقلاب نشان‌دهنده بی‌اعتمادی ایران به نیت واقعی آمریکا و شناخت ترنفدهای دیپلماتیک آن است. اما فراتر از این، آمریکادر سال‌های اخیر روی اقدامات تروریستی در مناطق مرزی ایران سرمایه‌گذاری کرده تا بای‌ثباتی ایجادکند و پروژه‌های تجزیه‌طلبانه را تقویت کند. واقعه ابول‌کورکور در ایده که در منطقه‌ای باسابقه تحركات جدایی‌طلبانه رخ داد، می‌تواند بخشی از این سیاست باشد. در دوره جدید ریاست جمهوری ترامپ، به نظر می‌رسد این رویکرد تشدید شده و اقداماتی مانند تحركات ابول‌کورکور بخشی از این استراتژی است. این امر با تهدیدهای اخیر ترامپ هم‌سوست که در صورت عدم پذیرش مذاکره، «کار دیگری» انجام خواهد داد. دیگری‌هایی از این دست نشان می‌دهد این «کار دیگر» می‌تواند شامل حمایت از اقدامات مسلحانه و تروریستی باشد.

